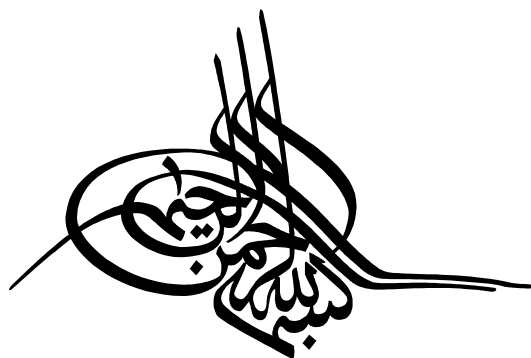




نظریه‌های جامعه‌شناسی

سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد

مجموعه علوم اجتماعی و پژوهش اجتماعی
مولفان: اصغر کاظمی – مریم امینی یخدانی

سرشناسه	: کاظمی، اصغر
عنوان	: نظریه‌های جامعه‌شناسی
مشخصات نشر	: تهران، مشاوران صعود ماهان، ۱۴۰۴
مشخصات ظاهری	: ۳۱۵ ص: جدول، نمودار (آمادگی آزمون کارشناسی ارشد)
فروست	: سری کتاب‌های کمک آموزشی کارشناسی ارشد
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۹-۱۰۷-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فنیای مختصر
یادداشت	: این مدرک در آدرس http://opac.nlai.ir قابل دسترسی است.
شناسه افزوده	: مریم امینی‌یخدانی
رده‌بندی دیویی	: ۳۷۸/۱۶۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۸۲۳۴۷۱



ناشر: مشاوران صعود ماهان
مدیر مسئول: دکتر مجید سیاری
مولفان: اصغر کاظمی - مریم امینی یخدانی
مدیر تولید و محتوی: سمیه بیگی
نوبت و تاریخ چاپ: سوم / ۱۴۰۴
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۶/۰۹۰/۰۰۰ ریال
شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۳۸۹-۱۰۷-۴

انتشارات مشاوران صعود ماهان: خیابان ولیعصر، بالاتر از تقاطع مطهری،
روبروی قنادی هتل بزرگ تهران، جنب بانک ملی، پلاک ۲۰۵۰
تلفن: ۸۸۱۰۰۱۱۳-۴

سخن ناشر

«ن والقلم و ما یسطرون»

کلمه نزد خدا بود و خدا آن را با قلم بر ما نازل کرد.

به پاس تشکر از چنین موهبت الهی، موسسه ماهان درصدد برآمده است تا در راستای انتقال دانش و مفاهیم با کمک اساتید مجرب و مجموعه کتب آموزشی خود برای شما داوطلبان ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد گام موثری بردارد. امید است تلاش‌های خدمتگزاران شما در این موسسه پایه‌گذار گام‌های بلند فردای شما باشد. مجموعه کتاب‌های کمک آموزشی ماهان به‌منظور استفاده داوطلبان کنکور کارشناسی ارشد سراسری و آزاد تالیف شده‌اند. در این کتاب‌ها سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از تجربه اساتید بزرگ و کتب معتبر، داوطلبان را از مطالعه کتاب‌های متعدد در هر درس بی‌نیاز کنیم.

بدین‌وسیله از مجموعه اساتید، مولفان و همکاران محترم خانواده بزرگ ماهان که در تولید و به‌روزرسانی تالیفات ماهان نقش موثری داشته‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نماییم.

دانشجویان عزیز و اساتید محترم می‌توانند هرگونه انتقاد و پیشنهاد درخصوص تالیفات ماهان را از طریق سایت ماهان به آدرس mahan.ac.ir با ما در میان بگذارند.

موسسه آموزش عالی آزاد ماهان

سخن مؤلف

به نام آنکه جان را فکرت آموخت چراغ دل به نور جان برافروخت

خواننده محترم؛ کتابی را که در پیش‌رو دارید حاصل مطالعه کتاب‌ها و جزوه‌های اساتید معتبر دانشگاه‌های کشور می‌باشد. کتاب حاضر بارها مورد بازنگری قرار گرفته که از این تغییرات می‌توان به افزوده شدن مطالب کتاب‌های جدید منتشره، سئوالات تألیفی و... اشاره داشت. همان‌طور که با مطالعه این کتاب در خواهید یافت، اغلب مطالب این کتاب خلاصه و جمع‌بندی کتب و جزوات استفاده است، بدین‌صورت که (در اغلب فصول) در ابتدا شرح کلی هریک از موضوعات نظریه‌های جامعه‌شناسی آورده شده و در ادامه به بیان نکته‌های قابل توجه و در نهایت به سئوالات تألیفی و کنکوری پرداخته شده است.

دوستان گرامی تمامی سرفصل‌های کتاب مهم هستند و خواندن چندباره برخی از فصل‌ها مهم‌تر از برخی فصل‌های دیگر است که پیشنهاد دارم با نگاهی به سئوالات کنکوری چند سال قبل خودتان پیش‌بینی نمایید که چه موضوعاتی بیشتر از سایر موضوعات مورد توجه اساتید طراح سوال می‌باشد. از این‌رو موضوع خاصی را برای مطالعه بیشتر پیشنهاد نمی‌کنم. شایان ذکر است کتاب حاضر مبتنی بر آخرین سرفصل‌های کنکور می‌باشد که تا حد امکان تلاش شده تا حداقل دانشجویان با کتاب‌های جدید نظریه‌های جامعه‌شناسی آشنا شده و به مطالعه این کتب بپردازد. موفقیت در سایر حوزه‌های معرفتی (به‌ویژه معرفت دینی) را برایتان آرزومندم.

فصل اول: نظریه و مفاهیم مرتبط با آن	۹
انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی	۱۱
رابطه نظریه با مفاهیم دیگر	۱۲
چگونگی توسعه نظریه	۱۸
پارادایم و جامعه‌شناسی	۱۹
طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی	۲۰
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل اول	۲۲
فصل دوم: اندیشه بزرگان و بنیانگذاران جامعه‌شناسی	۲۷
نقش نیروهای اجتماعی در تحول نظریه جامعه‌شناسی	۲۸
نقش نیروهای فکری در پیدایش نظریه جامعه‌شناسی	۲۹
بنیانگذاران جامعه‌شناسی	۳۰
روش‌های تحقیق	۳۴
قوانین مراحل سه‌گانه اندیشه انسانی و جامعه‌ها	۳۵
تشنش‌ها و مشتقات	۴۵
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دوم	۶۷
فصل سوم: نظریه توافق و کارکردگرایی	۷۵
توافق و کشمکش	۷۶
نظریه کارکردگرایی ساختاری	۷۷
انواع رویکردها	۷۸
کارکردگرایی ساختاری تالکوت پارسونز	۷۹
نظام کنش	۸۰
الگوی کارکردگرایی ساختاری رابرت کی مرتون	۸۶
انتقادات وارد بر کارکردگرایی	۸۹
نوکارکردگرایی	۸۹
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل سوم	۹۱
فصل چهارم: نظریه کشمکش (تضاد)	۹۵
ریشه‌های شکل‌گیری نظریات کشمکش	۹۶
رالف دارندورف	۹۷
پیش‌فرض‌های کوزر	۱۰۲
سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل چهارم	۱۰۴
فصل پنجم: نظریه ساخت‌گرایی	۱۰۷
ساخت‌گرایی	۱۰۸

۱۰۹.....	ساختارگرایی.....
۱۱۱.....	مارکسیسم ساختاری.....
۱۱۵.....	اصول اساسی زبان‌شناسی ساختی.....
۱۱۶.....	انتقادات وارد بر ساخت‌گرایی.....
۱۱۹.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل پنجم.....
۱۲۳.....	فصل ششم: مکاتب مارکسیستی - نئومارکسیستی و نظریه انتقادی (مکتب فرانکفورت)
۱۲۴.....	جبرگرایی اقتصادی.....
۱۲۴.....	مارکسیسم هگلی.....
۱۲۶.....	مکتب انتقادی.....
۱۳۲.....	مارکسیسم ساختاری.....
۱۳۵.....	مارکسیسم اقتصادی.....
۱۳۶.....	مارکسیسم تاریخی.....
۱۳۸.....	مارکسیسم تحلیلی.....
۱۳۹.....	نظریه مارکسیسم پست مدرن.....
۱۴۰.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل ششم.....
۱۴۵.....	فصل هفتم: نظریه کنش متقابل نمادین
۱۴۷.....	ریشه‌های شکل‌گیری نظریه کنش متقابل نمادین.....
۱۴۸.....	مبانی و اصول نظریه کنش متقابل نمادین.....
۱۵۰.....	آرا هربرت بلومر.....
۱۵۵.....	نگاهی دیگر به مفاهیم نظریه کنش متقابل نمادین.....
۱۵۶.....	انتقادات وارد بر نظریه کنش متقابل نمادین.....
۱۶۰.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هفتم.....
۱۶۲.....	فصل هشتم: نظریه تبادل
۱۶۴.....	ریشه‌های شکل‌گیری نظریه تبادل (مبادله).....
۱۶۸.....	قضایای بنیادی هومنز.....
۱۷۱.....	نظریه تبادل تلفیقی بلاو.....
۱۷۴.....	تلفیق نظریه تبادل یا نظریه کنش متقابل نمادین توسط پیتر سینگلمن.....
۱۷۵.....	انتقادهای وارد بر نظریه تبادل.....
۱۷۹.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل هشتم.....
۱۸۱.....	فصل نهم: پدیدارشناسی
۱۸۲.....	جامعه‌شناسی پدیدارشناسی.....
۱۸۳.....	اندیشه ادموند هوسرل.....
۱۸۶.....	اندیشه‌های آلفرد شوٲس.....
۱۹۰.....	نمونه‌های معاصر جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی.....
۱۹۲.....	انتقادهای وارد بر نظریه جامعه‌شناسی پدیدارشناسی.....
۱۹۶.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل نهم.....
۱۹۹.....	فصل دهم: روش‌شناسی مردم‌نگارانه و جامعه‌شناسان معاصر
۲۰۰.....	روش‌شناسی مردم‌نگارانه.....
۲۰۱.....	نمونه‌های روش‌شناسی مردم‌نگارانه.....

۲۰۶.....	مفاهیم بنیادی روش‌شناسی مردم‌نگارانه.....
۲۰۷.....	انتقادهای وارد بر روش‌شناسی مردم‌نگارانه.....
۲۱۲.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دهم
۲۱۵.....	فصل یازدهم: فراتر از نظریه
۲۱۶.....	انواع فراتر از نظریه
۲۱۷.....	انگاره‌های عمده جامعه‌شناسی
۲۱۷.....	انگاره‌های جامعه‌شناسی تلفیقی
۲۲۰.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل یازدهم
۲۲۴.....	فصل دوازدهم: نظریه فمینیستی معاصر
۲۲۵.....	پرسش‌های نظری بنیادی در نظریه فمینیستی.....
۲۲۶.....	انواع نظریه‌های فمینیستی در دوران معاصر.....
۲۲۹.....	ویژگی‌های نظریه جامعه‌شناسی فمینیستی
۲۳۱.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل دوازدهم.....
۲۳۴.....	فصل سیزدهم: نظریه‌های معاصر درباره نوگرایی (مدرنیته) و مابعد نوگرایی (پسامدرنیته)
۲۳۵.....	نظریه پردازان کلاسیک نوگرایی.....
۲۳۵.....	گردونه خردکننده نوگرایی (نظریه آنتونی گیدنز).....
۲۳۷.....	جامعه مخاطره‌آمیز (نظریه اولریک بک).....
۲۳۸.....	عقلانیت شدید، مک دونالدیزه شدن و آمریکایی شدن (نظریه جورج رتیرز).....
۲۳۸.....	نوگرایی و کشتار جمعی (نظریه زیگمونت باومن).....
۲۳۹.....	طرح ناتمام نوگرایی (نظریه یورگن هابرماس).....
۲۴۱.....	نظریه اجتماعی میانه روانه مابعد نوین (فردریک جیمسون).....
۲۴۲.....	نظریه اجتماعی افراطی مابعد نوین (ژان بودریلار).....
۲۴۳.....	سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی و پاسخنامه فصل سیزدهم
۲۴۶.....	سؤالات و پاسخ تشریحی کنکور سراسری ۹۵ الی ۱۴۰۴
۳۱۵.....	منابع

فصل اول

نظریه و مفاهیم مرتبط با آن

- ♦ انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی
- ♦ رابطه نظریه با مفاهیم دیگر
- ♦ چگونگی توسعه نظریه
- ♦ پارادایم و جامعه‌شناسی
- ♦ طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی

نظریه و مفاهیم مرتبط با آن

علم بدون روش و نظریه قابل طرح نمی‌باشد، از این رو شرط لازم برای این که یک مجموعه، اطلاعات علم تلقی شود، وجود یک نظریه خاص است. عده‌ای سعی دارند تا اعتبار علم را تنها به وجود روش تحقیق نسبت دهند و بود و نبود نظریه را عمده ندانند. از بدو پیدایش جامعه‌شناسی تاکنون، بود یا نبود نظریه مورد سوال و بحث بوده است. در جامعه‌شناسی آمریکا اهمیت نظریه تا دهه‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ در پایین‌ترین حد خود بوده است و تا دهه ۷۰ در جامعه‌شناسی آمریکایی تأکید کمتری بر اهمیت نظریه می‌شد. از سال ۱۹۶۱ تا ۱۹۸۴، یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح در میان جامعه‌شناسان، «نظریه‌سازی» بود که در این زمینه کتب و مقالات بسیاری به نگارش درآمده است. از سوی دیگر نظریه در جامعه‌شناسی در دهه‌های اخیر در همه‌جا، خصوصاً حوزه‌های جامعه‌شناسی اروپایی و آمریکایی در مقایسه با گذشته جایگاه جدیدتری یافته است و به لحاظ تخصصی شدن علم جامعه‌شناسی، تفکیک‌پذیری میان حوزه‌های آن مقدور شده است.

گرایش به تخصصی‌تر شدن جامعه‌شناسی به حدی شدت یافته است که بعضی از جامعه‌شناسان مانند کالینز^۱، آن را تهدیدی جدی برای حیات علم جامعه‌شناسی تلقی کرده‌اند. روند اصلی تخصصی‌شدن جامعه‌شناسی در دو سو جهت گرفته است:

تخصصی‌شدن درونی علم جامعه‌شناسی (در عمق): این سمت‌گیری، عاملی در پیدایش بافت جدیدی چون جامعه‌شناسی‌های سلامت، پزشکی، زنان، بیماری، کار، ورزش و ... شده است.

تخصصی‌شدن در بیرون جامعه‌شناسی (در سطح): که به‌منزله رشد حوزه‌های جدید چون مطالعات توسعه، جرم‌شناسی، رفتارشناسی، مطالعات زنان و ... شده است. به‌طور کلی پیدایش نظریه‌ها در جامعه‌شناسی ناشی از ارتباط چندین امر به یکدیگر است:

۱- وجود شرایط فکری یا پیشینه نظری و تئوریک

۲- شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ...

۳- تمایل اندیشمند و متفکر به نظریه‌سازی

۴- ارزیابی اطلاعات و نظریه‌های معاصر

۵- گروه نظریه

عده‌ای از جامعه‌شناسان در توسعه و تولید نظریه همچنان متوجه این عناصر و عوامل بوده‌اند. به‌طور خاص، گرایش جدید نظریه‌سازی در انگلستان و کارهای آنتونی گیدنز^۲ و در آمریکا کارهای جفری آلکساندر^۳ و جورج ریتزر^۴، در این راستا قابل بررسی است.

۱- Collines

۲- Anthony Giddens

۳- Geffry Allexander

۴- George Ritzer

نظریه: بنابر تعریف رسمی عبارت است از یک رشته قضایای مرتبطی که زمینه را برای تنظیم دانش و تبیین و پیش‌بینی زندگی اجتماعی و ایجاد فرضیه‌های تحقیقی نوین، فراهم می‌سازد.

انواع نظریه‌های جامعه‌شناسی

برای طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی عوامل زیادی را می‌توان دخیل دانست که به‌ترتیب برای هریک از آنها نیز نظریات متعددی خواهیم داشت:

از لحاظ موضوع: نظریات ساختی کارکردی، پوزیتیویستی، تطورگرایی، انتقادگرایی، مبادله، روش‌شناسی مردمی و...

از لحاظ روش: تاریخی، اثباتی، تفسیری، دیالکتیکی

از لحاظ پیدایش: جامعه‌شناسی کلاسیک، مدرن، پست مدرن

از لحاظ مکان: جامعه‌شناسی اروپایی، آمریکایی، جهان سوم، فرانسوی، انگلیسی

از لحاظ نحوه تولید و توسعه نظریه: نظریات رسمی، نظریات غیررسمی، قیاسی، استقرایی

با وجود این، هر نظریه در جامعه‌شناسی به‌طور مستقل تنها به یک عنصر باز نمی‌گردد بلکه تبیینی از عوامل مختلف است. در این صورت می‌توان یک نظریه را توصیفی- ترکیبی، خرد دیالکتیک، عینی، تاریخی، ساختی، کلان، کارکردی، تبیینی، تبیینی- دیالکتیکی، کلان- تاریخی و ذهنی یا عینی نامید.

تام شف^۱ از لحاظ تاریخی نظریه‌ها را به چهار گروه تقسیم کرده است:

دوره اول، دوران تأسیس جامعه‌شناسی تا ۱۸۷۵، دوره دوم ربع آخر قرن نوزدهم، به‌کارگیری نظریه تکامل‌گرایی، دوره سوم از آغاز ربع اول قرن بیستم یعنی دوران مسائل و مشکلات اجتماعی تا پایان تسلط نظریه تکامل و تمایل به مطالعات تجربی مانند نظریه کنش متقابل و مبادله و دوره چهارم، دوره انتزاع دیدگاه‌های همگرایی و تمایل به تبیین واقعیت‌ها در نگاهی کلی و کلان‌موردنظر بوده است. به‌طورکلی نظریه نمی‌تواند مشاهده صرف یا قضاوت و ارزیابی شخصی و ارزشی باشد. در مقابل، نظریه باید قابل صدق و کذب باشد و قابلیت تعمیم و فراگیری داشته باشد.

نظریه باید دربردارنده قوانین باشد تا بتواند به تبیین واقعه و پیش‌بینی بپردازد. به‌نظر آبل^۲، نظریه باید از فرضیه‌های آزمایش شده اخذ شده باشد و بنابه‌نظر مولینز^۳ دربردارنده تصمیم‌های انتزاعی و تلاش برای تبیین چرایی یا چگونگی امور اجتماعی براساس اصول کلی و قابل قبول باشد.

تعاریف ارائه‌شده در پایان دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ قرن بیستم مطرح شده‌اند. هریک از تعاریف بر یک یا دو عنصر تأکید داشته و ماهیت نظریه براساس آن، تعریف شده است. به‌عنوان مثال، عناصری چون «عبارت‌های مجرد در تبیین» در تعریف چفتر^۴، «قوانین و پیش‌فرض‌ها» در تعریف بلالاک، «گزاره‌های منطقی» نزد گیبز^۵، «مجموعه قوانین و اصول موضوعه» نزد هیگ، «قدرت تبیین» نزد استینچمب^۶ و «بیان روابط» نزد ویلز در تعریف نظریه تأکید شده‌اند. این عناصر ویژگی‌های اساسی نظریه حکایت از حساسیت پوزیتیویستی و تجربه‌گرایی این جامعه‌شناسان دارد.

دیدگاه پوزیتیویستی، اصالت نظریه را تجربی‌بودن، آزمایش‌پذیربودن و قانون‌سازبودن می‌داند. در مقابل، دیدگاه غیرپوزیتیویستی الزامی در رد یا قبول یک نظریه براساس تجربی‌پذیر بودن نداشته و نظریه را به‌منزله مجموعه پدیده‌های مرتبط که قادر به تجزیه و

۱- Tom Sheff

۲- Abel

۳- Mollins

۴- Chafte

۵- Gibbs

۶- Arthur Stinchcombe

تحلیل واقعیت‌های اجتماعی باشند تلقی کرده است. در این صورت، ساخت هابرماس در زمینه کنش ارتباطی، آرای براون^۱ در زمینه «کنش متقابل‌گرایی نمادین»^۲، نظریه عقلانیت ماکس وبر، فراساخت‌گرایی^۳ فوکو و مباحث دیگر جامعه‌شناسان غیرپوزیتیویست را می‌توان نظریه‌های جامعه‌شناختی در نظر گرفت.

از این روست که گیز به عنوان جامعه‌شناس اثبات‌گرا، معتقد است که نظریه‌های کلان در جامعه‌شناسی جایی ندارد، زیرا این نظریه‌ها فرقی میان گزاره‌های آزمایش‌پذیر و آزمایش‌ناپذیر قائل نبوده و جامعه‌شناسی را یک برداشت انسانی - غیرآزمایشی و غیرتجربی می‌داند. مطابق ادعای جامعه‌شناس اثبات‌گرا، هدف جامعه‌شناسان غیراثبات‌گرا، متوجه مطالعات و مباحث فکری و ذهنی است تا مطالعات تجربی و قابل آزمون.

رابطه نظریه با مفاهیم دیگر

نظریه و الگو

در حقیقت نظریه، بدون ارجاع به الگو، به شکل بی‌واسطه و مستقیم، امور اجتماعی را تبیین می‌کند. در حالی که الگو از طریق تشابه، به شناخت واقعیت کمک می‌کند و با برجسته کردن عنصر تشابه، درک روشن‌تری از شباهت میان واقعیت و مدل ذهنی فراهم می‌سازد. البته باید دانست که الگوی یک شیء بر حسب تعریف، عین آن نیست؛ بلکه به شیء مورد نظر شباهت دارد. مثلاً مدل یک کارخانه، صورت کوچک و فرضی از کارخانه ارائه می‌دهد. در علوم اجتماعی نیز الگوهایی بر اساس واقعیت می‌سازند و سپس روی میزان تطبیق آن با واقعیت بحث می‌کنند. مثلاً "انسان اقتصادی" الگوی فردی است که با امور اقتصادی برخوردی منطقی دارد. برای چنین الگویی مفروضاتی در نظر گرفته می‌شود؛ اما ممکن است تمام آن مفروضات، با واقعیت تطبیق نکند. پس در رابطه الگو و واقعیت، باید به وجه تشابه کلی آنها توجه و از جزئیات صرف نظر کرد.

الگو

واژه Pattern به معنای؛ الگو، مدل، انگاره، شکل و نمونه، قالب، طرح، منوال و نقش در نظر گرفته شده است. در تعریفی ساده از الگو می‌توان گفت؛ الگو یا مدل، نمایش نظری و ساده شده از جهان واقعی می‌باشد.

خصوصیات الگو

کارکرد الگو عبارت است از کوشش برای ساده‌تر کردن و آسان‌تر فهماندن واقعیت از طریق تنظیم عناصر و وارد کردن نظم در آنها؛ مثلاً می‌توان طرح منطقی روابطی را که بین برخی از عناصر یک سیستم وجود دارد، به شکل یک پیکره در آورد. به نظر لوی اشتراوس، الگو، باید دارای سه خصوصیت عمده باشد:

۱- ساخت مشخصات یک نظام را نمایش می‌دهد و از عناصر متعددی تشکیل یافته که تغییر در هریک از این عناصر، باعث تغییر در سایر اجزا می‌شود.

۲- برای هر الگوی مفروضی باید امکان ترتیب‌دادن سلسله تغییراتی باشد؛ که منتج به گروهی از الگوهایی از همان نوع شود. بدین ترتیب خصوصیات بالا امکان این پیش‌بینی را به ما می‌دهد که بدانیم هرگاه یک یا چند عنصر الگو دچار تغییرات مشخصی شوند، الگو چگونه واکنش نشان خواهد داد.

۳- الگو باید چنان ساخته شود که بلافاصله تمام پدیده‌های مشاهده شده را قابل فهم سازد. از سوی دیگر تعریف الگوها باید صریح و جامع باشد تا عملیات ریاضی روی آنها امکان‌پذیر شود؛ ساخت الگوها نیز به هیچ وجه نباید پیچیده باشد.

۱- Brown

۲- Symbolic Interactionism

۳- Post- Structuralism

انواع الگو

الگوی مادی^۱: این الگو، نظام پیچیده‌تر را به صورت ساده‌تر نشان می‌دهد؛ با این همه باید واجد خصوصیات نظام پیچیده‌تر باشد. به طور کلی در جامعه‌شناسی دو نوع الگوی مادی وجود دارد:

الگوی مکانیک (غیر اندامی): مثلاً جامعه از نظر پیچیدگی، هماهنگی و ارتباط کارکردهای مختلف عناصر آن، به ساعت تشبیه شده است. مدل غیر اندامی، بعد از رنسانس نزد دانشمندان زیادی نظیر ماکیاولی، هابز، مونتسکیو، آدام اسمیت و حتی کانت به کار رفته است.

الگوی اندامی (ارگانیکی): این الگو، که اندام زنده، مخصوصاً بدن انسان را الگو قرار می‌دهد، بیش از همه مورد استفاده واقع شده است. افلاطون، ارسطو و اسپنسر چنین مدلی را به کار گرفته‌اند.

اسپنسر از تشبیه جامعه در حد اعلا بهره جسته و مکتب اندام‌گرایی را در جامعه‌شناسی پایه‌گذاری کرده است. تقسیم جوامع، نزد دورکیم براساس همبستگی‌های ارگانیکی و مکانیکی که به ترتیب مبین جامعه صنعتی و ابتدایی هستند، همین معنا را تداعی می‌کند.

در عصر جدید، الگوهای مادی قابل قبول دانسته نمی‌شوند؛ زیرا قیاس بین دو واقعیت که نهایتاً از هم متمایز و کاملاً متفاوتند، خطر پنهان شدن واقعیت جامعه را دربر دارد. به هر حال تشبیه در این موارد هیچ‌گاه کامل نبوده و جنبه‌های مهمی از حقیقت شیء را مخفی می‌سازد. این خطر در الگوهای مادی حداکثر است.

الگوی‌های صوری^۲: این الگوها، ساخت نهادی و منطقی نسبتاً ساده‌ای است که به طور ذهنی فراهم شده، اما دارای ویژگی‌های ساختی است که در نظام واقعی اصلی وجود دارد. الگوی صوری برعکس الگوی مادی به کار تشبیه نمی‌آید و برای درک یک پدیده اجتماعی به مقایسه آن با پدیده‌ای از نوع دیگر متوسل نمی‌شود. درواقع الگوهای صوری عبارت است از بازسازی واقعیت در ذهن. چنین الگویی نوعی تجرید است؛ زیرا از واقعیت موجود و برخی ویژگی‌ها اخذ شده و به وسیله علایم و مفاهیم، نشان داده می‌شود و از این طریق تفسیر و تبیین منطقی واقعیت حاصل می‌شود. درباره یکی از انواع الگوی صوری می‌توان به الگوی ریاضی اشاره کرد، که کامل‌ترین نوع آن است و می‌توان آن را در شاخه‌های علمی گوناگون به کار برد.

کارکرد الگو

۱- استفاده از الگو به درک بهتر نظریه کمک می‌کند؛ لیکن باید وقتی از این قاعده استفاده کرد، که نظریه به قدر کافی گویا نباشد و الگو گویاتر از آن باشد.

۲- الگو که به نظر می‌رسد، رابطه بین دو واقعیت را تصویر می‌کند، ممکن است از طریق مشابهت، روابط نظری دیگری را به ما القا کند؛ مانند تطورگرایی اجتماعی که با تطورگرایی زیست‌شناسی مشابهت دارد. این نظریه، دانش ما را در مورد تکامل (که مفهومی زیست‌شناختی است)، به عنوان الگو برای فهم دگرگونی اجتماعی به کار می‌گیرد. اسپنسر معتقد بود که همه بخش‌های جهان (فیزیکی، زیست‌شناسی و اجتماعی)، برطبق اصول مشابهی تکامل می‌یابند.

۳- مدل‌ها امکان محدوده‌ای از پیش‌بینی‌ها را می‌دهد که می‌توان آنها را با آزمون‌ها تأیید نمود.

الگو و مدل

برخی بین این دو تفاوت‌هایی را قائل شده و گفته‌اند که واژه Model کمی پیچیده‌تر از واژه Pattern است. واژه Pattern بیشتر به "ساخت و روابط بین عناصر یک واقعیت" توجه دارد و طرح ساده شده‌ای است که خطوط اساسی یک مجموعه اجتماعی و نسبت‌های موجود بین آنها را مشخص می‌کند.

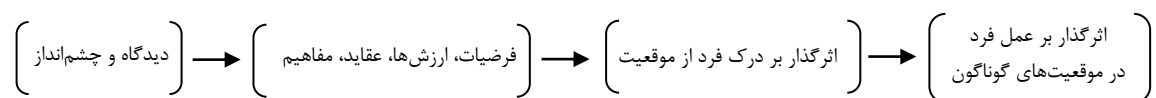
واژه Pattern برای ساده و قابل فهم کردن پدیده‌ها، به تنظیم عناصر آن پدیده و ایجاد نظم در آنها، می‌پردازد و آن را به شکل یک طرح منطقی و یک پیکره درمی‌آورد و به‌نوعی یک ابزار توصیف‌کننده است.

درنهایت جامعه‌شناس با الگوهای فکری و ساخته‌های ذهنی کار می‌کند؛ نه با حوزه (یا عین) واقعیت؛ زیرا برای مثال، نمی‌توان واقعیت اجتماعی را مانند طبقه اجتماعی، عیناً در جامعه پیدا کرد، اندازه‌گیری نمود، تعریف کرد و یا برشمرد؛ درعوض می‌توان الگوی یک طبقه اجتماعی در جامعه‌ای معین را براساس نوع عالی طبقه در مفهوم مارکس ساخت و آنگاه پدیده‌های واقعی جامعه مورد نظر را در انگاره طبقاتی مذکور داخل کرد و کوشید تا کارکرد آن شناخته شود.

نظریه و دیدگاه^۱

به نظر می‌آید قبل از دستیابی به هر نظریه‌ای، قبول دیدگاه ضروری بوده و در عمل قابل رویت است. هورتن مدعی است که دیدگاه مقدم بر نظریه است. او دیدگاه را تقریباً معادل با فرضیه و تصور کلی غیراثبات شده دانسته است. از سوی دیگر دیدگاه، دریافت کلی نسبت به پدیده خاصی است. دیدگاه، مشاهده‌گر را در مناظر گوناگون مرتبط با وقایع خارجی قرار داده و او را در جهت نگاه به آنها و بررسی‌شان متأثر می‌سازد و به‌لحاظ امکان درک و رویت یک وجه از واقعیات، مشاهده‌گر را محدود می‌سازد. مشاهده‌گر برای شناخت جامع، نیازمند دریافت چشم‌اندازهای متفاوت مرتبط با هم می‌باشد. معمولاً نظریه‌ها دربردارنده بیش از یک چشم‌انداز هستند تا امکان بررسی وجوه چندگانه واقعیت، امکان‌پذیر گردد. ازاین‌روست که می‌توان گفت نظریه دربردارنده چند دیدگاه و اعم از آن است.

در مقابل نظر فوق، چارتون^۲ معتقد است دیدگاه معادل یا شاید اعم‌تر از نظریه است. از این رو به‌نظر او دیدگاه‌ها مجموعه کلمات مرتبط شده‌ای خواهند بود که برای فهم واقعیت فیزیکی و خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند. نحوه رابطه دیدگاه با چارچوب مفهومی، آگاهی و عمل فرد در نمودار زیر نشان داده شده است:



ازاین‌روست که چارتون مدعی شده است که دیدگاه‌ها همان عینک‌های (Eyeglasses) مشاهده‌گر جهت بهتر دیدن جهان خارج می‌باشند و به‌عبارت دیگر دیدگاه، با اینکه می‌تواند عمومی و کلی باشد اما برداشتی خاص، مشخص و محدود است درحالی‌که نظریه برداشتی کلی، عمومی و غیرمشخص نسبت به مسائل قابل توصیف است.

مفهوم و نظریه

چاینی، مفاهیم را عناصر تشکیل‌دهنده نظریه می‌داند. از نظر او مفاهیم به‌تنهایی یک رشته علمی را نمی‌سازند. آنها صرفاً بلوک‌هایی را برای ساختن یک علم فراهم می‌آورند. برای وضوح‌بخشی به رابطه بین مفاهیم و نظریه چندین نکته ضروری است:

- ۱- مفاهیم، عناصر اصلی نظریه‌ها می‌باشند.
- ۲- مفاهیم، امور کلی هستند که بر موارد جزئی در خارج دلالت می‌کنند. مثلاً مفهوم طبقه، دلالت بر وجود موارد جزئی موقعیت‌های گوناگون فردی و جمعی در خارج می‌نماید.
- ۳- ایجاد رابطه میان مفاهیم، زمینه مناسب طرح نظریه است. به‌عنوان مثال، رابطه میان مفاهیمی چون کنش متقابل، نمادها و سمبل‌ها، موقعیت‌ها، کنشگر، جامعه، نقش، فاصله اجتماعی، آگاهی و ذهن است که امکان طرح قوانین و چارچوب‌های کلی نظریه کنش متقابل را ممکن ساخته است.

۱- Perspective

۲- Charton

وضوح تفاوت و رابطه میان نظریه و مفاهیم، عاملی در اجتناب از تقلیل نظریه‌ها به حد مفاهیم خواهد بود و از این‌روست که نظریه را نمی‌توان معادل با مفهوم دانست، زیرا مفهوم یکی از اجزای تحقیق نظری و تجربی و درواقع اولین مرحله تحقیق است. محقق بدون انتخاب مفاهیم موردنیاز، امکان شروع تحقیق را نخواهد یافت.

نظریه، توصیف و تبیین

نظریه معادل با توصیف یا تبیین نمی‌باشد. گاهی در تعریف نظریه اصرار بر این است تا گرایش توصیفی و تبیینی در آن قید گردد. در این صورت گفته می‌شود که این نظریه توصیفی یا تبیینی است. توصیف و تبیین می‌توانند صفت‌های نظریه تلقی گردند ولی معادل نظریه نخواهند بود.

نظریه و قانون

براساس تعاریف ارائه شده در مورد نظریه، قوانین و قضایا عناصر اصلی تشکیل‌دهنده نظریه‌ها می‌باشند. قضایا تشکیل شده از مفاهیم و رابطه منطقی بین مفاهیم هستند. مجموعه قضایا سازنده نظریه می‌باشند از این‌رو یک قضیه نمی‌تواند نظریه تلقی گردد.

نظریه و تیپ اجتماعی

تیپ و نمونه (به تعبیر وبر) ابزاری برای تحلیل رابطه بین پدیده‌هاست. نحوه ساخته شدن و استفاده از تیپ‌های نمونه با نحوه تکوین و شیوه استفاده از نظریه متفاوت است. زیرا زمانی که به تعدادی از واقعیات که دارای ماهیتی یکسانند و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند نگریسته می‌شود، نوعی تصور مفهومی یا مدل عقلانی به دست می‌دهد و در این صورت امکان تشخیص صفات مشخصه هر نوع، به طور نظری فراهم می‌آید. تیپ‌شناسی و سنخ‌شناسی اجتماعی تعیین‌کننده حوزه عمل احکام صادر شده در درون نظریه‌هاست. بدون وجود تیپ‌ها، نظریه‌ها در سازمان درونی‌شان امکان عمل و اظهارنظر نداشته و چیزی را توضیح نخواهند داد. تیپ نمونه از نظر گروس^۱، نه تجربیات، نه مدل‌های ریاضی و نه نظریه‌ها می‌باشند، بلکه تیپ، نمونه طرح‌هایی است که تمایل دارند تا مقایسه و شباهت‌ها را به خوبی بیان و توصیف کنند.

نظریه و فلسفه اجتماعی

تفاوت نظریه با فلسفه و فلسفه اجتماعی در نحوه ارتباط با تجربه، مطالعات تجربی به سطح انتزاع و روش است و منشأ نظریه در جامعه‌شناسی بیشتر واقعیت‌های اجتماعی است درحالی که مباحث نظری در هر دو علم وجود دارد. فلسفه و نظریه هر دو در جهت توصیف و تبیین واقعیت‌ها بوده و در جهت دستیابی به تصمیم اخذ شده از مطالعه، تحقیق و تجربه می‌باشند.

نظریه و فرضیه

فرضیه را رابطه اثبات نشده (مطالعه نشده)، بین دو یا چند مفهوم که حکایت از وقایع خارجی دارد، معنا نموده‌اند و فرضیه‌ها وابسته به مفاهیم محدود درونی‌شان می‌باشند و مفاهیم اخذ شده در فرضیه‌ها به اندازه کافی کلی و کلان نیستند تا توضیح‌دهنده جامع موقعیت‌های بزرگ‌تری باشند. آنها به شرایط محدود وابسته‌اند. از طرف دیگر، فرضیه‌ها یا براساس اتکا به نظریه‌ها از واقعیت حکایت می‌کنند یا از نظریه‌ها جهت بررسی واقعیت‌ها نشأت می‌گیرند. از این‌روست که فرضیه قبل یا بعد از نظریه می‌باشد ولی جزء عنصر نظریه نیست.

نظریه و پیش‌بینی

نظریه‌ها برای پیش‌بینی ساخته نمی‌شوند، ولی این محتمل است که از نظریه‌ها به لحاظ قابلیت‌شان در بررسی واقعیت‌ها در بیان آینده امور اجتماعی استفاده گردد. گروهی از علمای علوم اجتماعی با گرایش پوزیتیویستی، پیش‌بینی را صفت نظریه دانسته‌اند و

عده‌ای دیگر فایده نظریه را در پرورش قدرت پیش‌بینی افراد دانسته‌اند و به‌نظر می‌آید که نظریه را باید جدای از پیش‌بینی مطرح ساخت و آن را صرفاً متوجه بررسی واقعیت‌ها دانست و پیش‌بینی را در رابطه با نظریه‌پرداز لحاظ کرد.

نظریه و پارادایم

نظریه با پارادایم^۱ فرق دارد. پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع در درون علم است و به‌تعبیر دیگر، پارادایم در بردارنده تصویری از موضوع، روش‌های تحقیق، مثال‌واره و نظریه‌ها می‌باشد. به‌عنوان مثال پارادایم واقعیت اجتماعی که به کارهای دورکیم در کتب خودکشی، قواعد روش جامعه‌شناسی و تقسیم‌کار اجتماعی برمی‌گردد، در جهت بیان واقعیت اجتماعی (تصور از موضوع)، روش تحقیق (مشاهده و مطالعات تطبیقی)، و چندین نظریه (کارکردگرایی، کارکردگرایی ساختی و بی‌هنجاری اجتماعی) است و با این تعریف از پارادایم، نظریه نمی‌تواند از پارادایم اخذ گردد ولی چند نظریه می‌تواند در یک پارادایم قرار گیرد.

نظریه و تحقیق

در این زمینه دو دیدگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. پوزیتیویست‌ها (اثبات‌گرایان) جامعه‌شناسی را یک برداشت رسمی و آکزیوماتیک^۲ (اصول موضوعی) از واقعیت خارجی دانسته‌اند، هومنز و زتربرگ^۳ درحالی‌که در مقابل این نظریه غیراثبات‌گرایان کمترین نقشی برای مطالعات و تحقیقات تجربی قائل نشده و جامعه‌شناسی را شکل هنر کلاسیک دانسته‌اند، میلز و نیسبت^۴ دیدگاه اول متدولوژی را معادل نظریه، تلقی کرده و تفاوتی بین آنها قائل نیستند و اهمیت کمتری به مطالعات نظری می‌دهند و در مقابل، دیدگاه دوم متدولوژی را ابزار جمع‌آوری اطلاعات و ارقام دانسته و اساس را در استحکام بخشیدن به ارزش نظریه تلقی می‌نمایند و در بعضی از سطوح، مطالعات تجربی را اتلاف وقت، ارزش‌ها و نیروی انسانی می‌دانند و به‌لحاظ تأثیرپذیری جامعه‌شناسی از علوم تجربی از بدو پیدایش و توسعه آن، بینش اثبات‌گرایی را بر بعضی از نظریات جامعه‌شناختی مسلط فرض کرده و تمایل کمتری در قبول جایگاهی مناسب برای مطالعات نظری دارند. از این‌رو، نظریات را صرفاً ابزار تحقیق، تلقی کرده‌اند.

مرتون در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ قرن اخیر سعی کرد تا در جهت اعتدال و نوعی همگرایی و ترکیب عوامل موثر در تحقیق و نظریه، کوشش کند. از این‌رو تعبیر نظریه حد میانه^۵ را انتخاب کرده است.

مرتون اساس را در اهمیت ساخت‌های اجتماعی در سطح گروه، سازمان و وجود رابطه میان مطالعات تجربی و نظری دانسته است. به‌طور مشخص، مطالعات جفری آلکساندر تحت‌عنوان فرااثبات‌گرایی در جهت ترکیب مطالعات تجربی، مطالعات نظری، تغییر رفتارهای فردی با رفتارهای جمعی و ارتباط بین سیستم‌های اجتماعی و فرهنگی، روانی و بیولوژیکی در یک مدل بسیار ساده و درعین‌حال پیچیده حکایت از نقد دیدگاه‌های اثبات‌گرایانه و غیراثباتی‌گرایانه و تلاش در ارائه راه جدیدی است.

نظریه و واقعیت خارجی

عده‌ای بین واقعیت و نظریه، دوگانگی قائل شده و جامعه‌شناسی را در دو جهت افراطی تجربه‌گرایی محض و نظریه‌گرایی محض محدود کرده‌اند. رابرت مرتون این سمت‌گیری را ناشی از تأکید بسیار بر تحقیقات تجربی و جزئی و از سوی دیگر تمایل به تعمیم‌گرایی و طرح قانون دانسته است.

بخش اعظم کارهای مرتون در جهت ایجاد ارتباط بین نظریه و مطالعه تجربی بوده است. از نظر او نظریه جامعه‌شناسی از شش طریق با تحقیق و مطالعات تجربی سازگاری، رابطه و پیوستگی دارد:

۱- Paradigm

۲- Axiomatic

۳- Hommanz & Zetterberg

۴- Mills & Nisbet

۵- Middle Range Theory

- ۱- متدولوژی
 - ۲- موقعیت‌های عمومی جامعه‌شناسی
 - ۳- تحلیل مفاهیم جامعه‌شناسی
 - ۴- تفاسیر جامعه‌شناسی
 - ۵- تعمیم‌های تجربی در جامعه‌شناسی
 - ۶- نظریه جامعه‌شناسی
- مرتون از سوی دیگر تحقیقات تجربی را دارای چهار کارکرد جهت شکل‌دهی نظریه می‌داند. کارکردهای چهارگانه تحقیق برای نظریه عبارتند از:

- ۱- آغاز زمینه‌های نظریه
- ۲- بازسازی نظریه با توجه به تحقیقات مناسب
- ۳- بیان اشکالات و انحرافات در نظریه‌ها
- ۴- وضوح و روشنی بیشتر با تکیه بر تحقیقات بیشتر

نظریه و متد^۱

متد و نظریه از طریق گوناگون با یکدیگر مرتبط می‌باشند:

- ۱- رابطه آنها به واسطه تحقیق (جهت‌دهی به تحقیق) می‌باشد.
 - ۲- از طریق تعریف و استفاده از مفاهیم: نظریه و متد به واسطه تعلق بسیار به مفاهیم با یکدیگر مرتبط هستند.
 - ۳- متد و نظریه به واسطه تعلق به برداشت‌های نظری ارتباط دیگری با یکدیگر دارند.
 - ۴- پلات سه امکان گوناگون ارتباطی بین نظریه و متد قائل شده است:
- الف: رابطه علمی غیر تجربی
- ب: رابطه تاریخی
- ج: رابطه عقلی در تفسیر و تبیین وقایع
- ۵- مطالعات بسیاری در جامعه‌شناسی جهت ایجاد ارتباط نظریه و متد و بیان تفاوت میان آنها صورت گرفته است.
- لایدر برای بیان رابطه میان نظریه و متد به طرح چهار پیش‌فرض تئوریک پرداخته است:

- ۱- پیش‌فرض معرفتی: از قبیل تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی
- ۲- پیش‌فرض جامعه‌شناختی: از قبیل اثبات‌گرایی و واقعیت‌گرایی جامعه‌شناختی
- ۳- پیش‌فرض‌های متدولوژیک: از قبیل تئوری تحقیق، تئوری حد میانه و تئوری زمینه‌ای
- ۴- پیش‌فرض‌های اجتماعی تئوریک یا مکاتب تئوریک: (از قبیل کارکردگرایی، کنش متقابل و...)

از نظر لایدر بین نظریه و متد در سطح وجودشناسی رابطه‌ای وجود ندارد و بدین ترتیب او نتیجه گرفته است که هر چند به لحاظ وجودی، هر نظریه نیازمند نوع خاصی از متد و روش است، ولی محصور و محدود کردن نظریه‌ها در به کارگیری روش‌های خاص نادرست است. در نهایت می‌توان اظهار کرد که نظریه و متد با یکدیگر به واسطه مطالعات متدولوژیک، و متاتئوریک ارتباط دارند. زیرا دیدگاه متدولوژیک در پی بیان نقش نظریه‌پردازی در جمع‌آوری و شناخت واقعیت اجتماعی است و مطالعات تئوریک نیز در فهم و بیان رابطه نظریه و متد می‌کوشد.

مدل و نظریه

مدل و نظریه با یکدیگر به اشکال گوناگون در ارتباط می‌باشند که در زیر به آنها اشاره می‌گردد:

الف) مدل برای نظریه، زمینه‌ساز پیش‌بینی می‌باشد. به‌نظر کوهن، مدل برای نظریه مانند اسکلت‌بندی است.

ب) مدل با طراحی ساختاری مناسب، جهت تولید نظریه حرکت می‌کند.

ج) نحوه مورد ارزیابی قرار گرفتن مدل و نظریه با یکدیگر متفاوت می‌باشند.

د) از طرف دیگر، مدل‌ها در بررسی، ارزیابی اطلاعات و پیش‌بینی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مدل‌ها در نهایت به نظریه‌ها تبدیل گردیده و ابزار مناسبی در نظریه‌سازی و توضیح و تبیین نظریه‌ها می‌باشند. مدل‌ها هم اعم و هم اخص از نظریه‌ها می‌باشند. ممکن است یک مدل همانند مدل اندام‌وارگی در طراحی چندین نظریه (از قبیل نظریه تکامل و نظریه کارکردی) مورد استفاده قرار گیرد و هم اینکه یک نظریه از چندین مدل استفاده کند. (نظریه همبستگی اجتماعی دورکیم که از دو مدل مکانیکی و ارگانیکی استفاده کرده است).

نظریه و متانظریه

از متانظریه تعاریف متعددی ارائه شده است و مطالعه نظریه (ریتزر)، ارزیابی نظریه (هیگ) و استراتژی‌های جهت‌یابی شده (واگنر)، معادل‌های ارائه شده برای متانظریه می‌باشد. جرالد هیگ، معتقد است که متانظریه پس از نظریه قابل طرح بوده و در جهت ارزیابی صحت و سقم مبادی اصول و ساختار نظریه است. هیگ، متانظریه را ابزار مطالعه نظریه دانسته است. جورج ریتزر متانظریه را مطالعه عناصر ساختی نظریه می‌داند.

متانظریه و نظریه هر دو به مطالعه زمینه‌های فکری، اجتماعی و پیدایش و توسعه نظریه می‌پردازند. متانظریه به مطالعه نظریه می‌پردازد درحالی‌که نظریه بیشتر به مطالعه واقعیت‌های خارجی مرتبط با نظریه می‌پردازد. متانظریه وابسته و متأثر از جهان خارج می‌باشد. متاتئوریت به واسطه ارزیابی و مطالعه نظریه به تعمیم، تحلیل، ارزیابی و توسعه نظریه‌های جدید دست می‌یابد. اما نظریه‌پرداز با مطالعه واقعیت خارجی به نظریه دست می‌یابد. نظریه‌پرداز نیازمند متاتئوریت است، زیرا از طریق ارتباط با نظریه به ضعف و قوت‌های نظریه‌اش دست می‌یابد.

در روش‌هایی که متاتئوریت و نظریه‌پرداز در شناخت موضوع به‌کار می‌برند، تفاوت وجود دارد. متاتئوریت بیشتر از روش‌های اسنادی، تاریخی و مقایسه‌ای بهره می‌گیرد درحالی‌که نظریه‌پرداز بیشتر از متدها و روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی استفاده می‌کند. به‌طور کلی نظریه در علم جامعه‌شناسی، زمینه و عامل معناداری مفاهیم، ایده‌ها، اطلاعات و ارقام و آمار بوده و قدرت توصیف و تبیین جامعه‌شناس را افزون می‌نماید و درعین‌حال، عامل اساسی در زاینده‌گی و توسعه نظریات جدید می‌باشد.

اثبات‌گرایان به‌لحاظ اینکه وظیفه علم را توصیف و تبیین رابطه بین پدیده‌ها دانسته‌اند، هرگز به بررسی سؤال چرایی، تمایلی نداشته و صرفاً به‌چگونگی توسعه نظریات پرداخته‌اند و این گروه بررسی مبتنی بر «چرایی» را متوجه فلسفه و دیدگاه‌های غیرعلمی دانسته و بنابراین کمترین ارزشی برای پاسخ‌های ارائه شده درباره این سؤال قائل نمی‌شوند. زیرا پاسخ‌ها و ارزیابی‌های مطرح شده را غیرعلمی، ذهنی و ایدئولوژیک می‌پندارند. طرح «چرایی» در شناخت پیدایش و توسعه نظریه در جامعه‌شناسی، زمانی ضرورت دارد که محقق درک مکانیزم‌های موثر در حیات نظریه جدیدی در جامعه‌شناسی را مفید بداند. در این نوع بحث، بررسی عوامل گوناگون فکری، فردی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و غیره در یک تحلیل کلی ضرورت می‌یابد.

طرح «چگونگی» زمانی ضرورت دارد که محقق بیشتر در پی فهم مکانیزم‌های توسعه نظریه‌ای در گذشت زمان باشد.

هر نظریه اجتماعی بالاخص نظریه جامعه‌شناسی با سه عنصر رابطه دارد:

۱- واقعیت اجتماعی

۲- افکار و نظریات گذشته

۳- شخصیت نظریه‌پرداز

این سه عنصر، زمینه‌های شکل‌گیری نظریه (پاسخ به چرایی) آن را بیان می‌کنند.

چگونگی توسعه نظریه

گیبز معتقد است که توسعه نظریه مبتنی بر نظریه‌سازی رسمی، بر سه اصل عمده متکی است:

- ۱- نظریه‌ها بهتر است به‌طور رسمی مطرح شوند؛ و منظور او از رسمی، بیان ریاضی دادن به نظریه‌هاست.
- ۲- نظریه‌ها بهتر است قابل آزمایش باشند.
- ۳- نظریه‌ها بهتر است قدرت پیش‌بینی داشته باشند.
- به‌طور کلی در دیدگاه اثبات‌گرایان، استراتژی‌های زیر جهت توسعه نظریه تحت‌عنوان «نظریه‌سازی» ارائه شده است:
- الف) تحقیق جهت دستیابی به نظریه جدید
- ب) آزمایش نظریه‌های موجود
- ج) رابطه متقابل بین نظریه و آزمایش
- مولینز یک مدل کلی برای توسعه نظریه‌های جامعه‌شناختی ارائه داده است. اساس نظریه او در توسعه نظریه، به بحث توماس کوهن در مورد انقلاب علمی برمی‌گردد. کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی اشاره می‌کند که تحول علمی در اثر انباشتگی دانش روی می‌دهد و از نظر کوهن هر حوزه علمی به‌طور یکنواخت تحول نمی‌یابد. تغییرات در چهار مرحله صورت می‌گیرد:
- ۱- حالت عادی و نرمال
- ۲- حالت بحرانی
- ۳- حالت انقلابی
- ۴- حالت جدید بعد از انقلاب
- از نظر مولینز آنچه عامل عمده در افول یک گروه نظریه می‌باشد، کاهش روابط بین اعضای گروه نقادی از بیرون است.

پارادایم و جامعه‌شناسی

- اولین کسی که به‌طور سیستماتیک اصطلاح پارادایم را در بررسی علمی مورد استفاده قرار داد و براساس آن به طرح یک نظریه جدید علمی پرداخت، توماس کوهن، فیزیکدان آمریکایی در دهه ۱۹۶۰ می‌باشد. اولین تعریف کوهن از پارادایم چنین است: مجموعه عقاید، ارزش‌ها و تکنیک‌هایی که افراد یک جامعه علمی به‌کار می‌برند. تعریف فوق از نظر منتقدان دو اشکال دارد:
- ۱- ذهنی بودن
 - ۲- غیرعقلانی بودن
- بدین منظور، تعریف دومی را پیشنهاد می‌کند: «راه‌حل‌های مشکلات واقعی چون مثال‌واره که می‌توانند با جایگزین‌نمودن قواعد اساسی، در جهت حل مشکلات باقی‌مانده دانش در حالت عادی به‌کار گرفته شوند» کوهن تعریف اول را فلسفی و تعریف دوم را جامعه‌شناختی می‌داند.
- کوهن در کتاب ساختار انقلاب‌های علمی چندین پیش‌فرض را به‌عنوان کلیدهای فهم نظریه‌اش ارائه داده است.
- اولین پیش‌فرض او رابطه میان پارادایم و علم است. او معتقد است که هر علمی دارای یک یا چند پارادایم است. از این‌رو علم بدون پارادایم امکان‌پذیر نیست.
 - دومین پیش‌فرض او به نحوه و علت پیشرفت علم مربوط می‌شود. او معتقد است که علوم براساس انقلاب به پیشرفت دست می‌یابند. بنابراین در مقابل انباشتگی علمی، از انقلاب علمی یاد می‌کند.
 - سومین پیش‌فرض او به دلایل و علل تفاوت علوم از یکدیگر مربوط است. کوهن معتقد است که پارادایم وسیله‌ای جهت تشخیص تفاوت علوم از یکدیگر است، بدین معنی که پارادایم، معیار اصلی جدایی یا یکسانی علوم با یکدیگر می‌باشد.
- به‌نظر کوهن عوامل زیر موجب پیدایش مرحله ناهنجاری و سپس بحرانی و انقلاب می‌گردند:
- ۱- اثر انباشتگی و تراکم علمی تحول
 - ۲- اثر روابط میان اعضای اجتماع علمی

۳- نوآوری

۴- طرح سؤالات جدید

۵- ارزش‌های مشترک

در نظر کوهن، هرچند که عوامل غیرساختی و خارجی نیز در رشد و پیدایش انقلاب علمی موثر هستند ولی عوامل ساختی، تعیین‌کنندگان اصلی انقلاب علمی می‌باشند. کتاب فردریک تحت عنوان جامعه‌شناسی، شاید اولین فعالیت علمی در بررسی رابطه پارادایم و جامعه‌شناسی می‌باشد.

مسترمن علوم را به چهار نوع گوناگون پارادایمی، غیرپارادایمی، دوپارادایمی و چندپارادایمی تقسیم نموده است. جورج ریتزر، پارادایم را چنین تعریف می‌کند: «پارادایم یک تصور بنیادی از موضوع است که در پی تفاوت‌گذاری میان جامعه علمی از جامعه غیرعلمی بوده و نمونه‌مثال‌ها، نظریه‌ها، متدها و ابزارهایی است که علم موجود را طبقه‌بندی، تعریف و مرتبط می‌کند». ریتزر پارادایم را دارای عناصر «مثال‌واره»، «تصور بنیادی از موضوع» و «نظریه و ابزارها و متدها» می‌داند. بدین ترتیب وی در دهه ۱۹۶۰ در آمریکا جامعه‌شناسی را دارای سه پارادایم «واقعیت اجتماعی»، «تعریف اجتماعی» و «رفتار اجتماعی» می‌داند.

طبقه‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی

بر سه اساس و معیار نظریه‌های جامعه‌شناسی را می‌توان طبقه‌بندی نمود:

- ۱- دامنه^۱ } نظریه کلان: بررسی ساختارها و عدم توجه چندان به کنش‌گر مانند کارکردگرایی و کارکردگرایی ساختاری
نظریه خرد: توجه به کنشگر مانند روش‌شناسی مردمی و پدیده‌شناسی
نظریه تلفیقی: توجه توأمان به سطح خرد و کلان مانند نظریات گیدنز و الگزندر

- ۲- انگاره یا پارادایم^۲ } واقعیت اجتماعی، مفروض اصلی: رفتار کنشگران اجتماعی تابع ساختارهای اجتماعی است
موضوع جامعه‌شناسی، این ساختارهای کلان می‌باشد. مانند کارکردگرایی، ساختارگرایی
تعریف اجتماعی، مفروض اصلی: کنشگران اجتماعی صاحب قدرت تفکر و بازاندیشی
هستند. بنابراین آنها صاحب اراده‌اند. پس می‌توانند واقعیت اجتماعی را خلق کنند. مانند
کنش متقابل، پدیده‌شناسی
رفتار اجتماعی، مفروض اصلی: رفتار انسان‌ها تابعی از منطق پاداش و تنبیه- سود و زیان
است. مانند مبادله

- ۳- برنامه پژوهشی } تبیینی (واقعیت اجتماعی به مثابه شیء) مانند نظریه دورکیم
تفسیری (نفوذ به درون واقعیت اجتماعی) مانند نظریه وبر
انتقادی (نقد و تغییر واقعیت اجتماعی) مانند نظریه مارکس

- نوع دیگری از تقسیم‌بندی نظریه‌های جامعه‌شناسی (در چهار سطح): خرد } ۱- ذهنی
کلان } ۲- عینی
۳- ذهنی
۴- عینی

خرد ذهنی: تفکر، نمادسازی، معنی، آگاهی، عواطف، بازاندیشی.

خرد عینی: تمایلات سودانگاران، پاداش، تنبیه، سود.

۱- scale

۲- paradigm

خرد ذهنی: در سطح خرد ذهنی، ریشه‌های کنش اجتماعی پدیده‌های ذهنی هستند (پدیدار شناسی، کنش متقابل نمادین، روش‌شناسی مردم نگار)

خرد عینی: در سطح خرد عینی، رفتار کنشگر براساس معادلات و محاسبات ابزاری و سودانگاره صورت می‌گیرد.

سود و زبان منشا انجام کنش‌های اجتماعی محسوب می‌شوند (مبادله: رفتارگرایی).

وجدان جمعی، هنجار اجتماعی، نظام اعتقادی، نظام انرژی، اخلاقی، فرهنگی: کلان ذهنی

ساختار طبقاتی، ساختار اقتصادی، نظام بروکراتیک، نظام سیاسی، نظام ارتباطات: کلان عینی

کلان ذهنی: دورکیم

کلان عینی: مارکس

تقسیم‌بندی دیگر دو بینش عمده جامعه‌شناسی عبارتند از: ۱- توافق (دورکیم، پارسونز) ۲- تضاد
 کلان: مارکس }
 خرد: زیمل }

۱- توافق: جامعه زنجیره به هم پیوسته نهادها، سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی است و اساساً جامعه به‌عنوان یک کل به‌وسیله عناصر جزئی ساخته می‌شود. این عناصر جزئی، یکدیگر را برای ساختن یک کل اجتماعی یاری می‌کند.

۲- تضاد: جامعه عبارتند از نیروهای متضاد که با یکدیگر روابط متضاد و گاهی متخاصم دارند. دو جریان تضادی داریم تضاد کلان، مارکس و تضاد خرد، زیمل - ون‌دن برگ، کوزر - کالینز، هایمز.

نکات کلیدی فصل اول

- نظریه و عمل از دو مقوله منطقی جداگانه و دارای نتایج و اهمیت متفاوتی هستند.
- نظریه در حد فاصل میان صراحت و ابهام قرار دارد.
- هر زمینه علمی از لحاظ مفهومی با نظریه‌ای که از آن گرفته شده در ارتباط است. هرگاه یک فرضیه با تجربیات متعدد در موارد مختلف در موقعیت‌های متفاوت به اثبات برسد، چنین فرضیه‌ای می‌تواند به سطح یک قانون ارتقا یابد. تنها وجه تمایز میان فرضیه و قانون مربوط به تعیین رابطه منطقی و درجه وضوح و تأییدی است که در بیان این رابطه ابراز شده است. اگر این رابطه به صورت روشن و منطقی توسط نظریه بیان گردد از حالت فرض خارج شده و فرضیه علمی تلقی می‌شود و چنانچه این رابطه با تعداد بی‌شماری واقعیات و امور بدیهی تأیید شود بیشتر بر آن نام قانون می‌گذارند تا فرضیه. در صورتی که چندین قانون در شرایط مختلف مورد تأیید علمی قرار گیرند و با یکدیگر ربط منطقی و فلسفی داشته باشند از مجموع چند قانون علمی، نظریه تشکیل می‌شود.
- جامعه‌شناس با الگوهای فکری و ساخته‌های ذهنی کار می‌کند؛ نه با حوزه (یا عین) واقعیت؛ زیرا برای مثال، نمی‌توان واقعیت اجتماعی را مانند طبقه اجتماعی، عیناً در جامعه پیدا کرد، اندازه‌گیری نمود، تعریف کرد و یا برشمرد؛ در عوض می‌توان الگوی یک طبقه اجتماعی در جامعه‌ای معین را براساس نوع عالی طبقه در مفهوم مارکس ساخت و آنگاه پدیده‌های واقعی جامعه مورد نظر را در انگاره طبقاتی مذکور داخل کرد و کوشید تا کارکرد آن شناخته شود.
- به عناصری از یک نظریه که به طور روشن و مشخص مطرح نشده‌اند، مفروضات زمینه‌ای گویند و این مفروضات، دورنما و زمینه‌ای را که مفروضات مسلم از آن اخذ شده‌اند، فراهم می‌آورند. درحالی‌که مفروضات مسلم، محور اصلی نظریه را می‌سازند و دلایل رد یا پذیرش نظریه‌ها را ناشی از اشتراک مفروضات زمینه‌ای در ذهن سازندگان، بررسی‌کنندگان و منتقدان آن نظریه می‌پندارند. جامعه‌شناسان به طور تحلیلی سه منبع نظریه را از یکدیگر متمایز ساخته‌اند: نظریه استنتاجی مانند نظریه مبادله، نظریه الگویی مانند کارکردگرایی و نظریه دورنگر مانند کنش متقابل نمادین.
- نظریه با برد متوسط که توسط رابرت مرتون مطرح شد، اساساً برای هدایت تحقیقات تجربی به وجود آمده و معطوف به مجموعه قضایای مرتبطی است که از قضایای واحد تجربی می‌تواند مشتق شود. بنابراین از یک سو جنبه انتزاعی - عقلانی دارد و از سوی دیگر متکی بر تحقیقات تجربی و مشاهدات و جمع‌آوری داده‌هایی است که از قضایای تجربی حاصل شده است. برای مثال طبق نظریه‌های مربوط به گروه‌های مرجع، تحرک اجتماعی بر محور بخش‌های خاصی از روابط اجتماعی متمرکز شده است و حاصل تحقیقات تجربی از این نوع می‌باشد.

سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- مکتب جامعه‌شناسی بیشتر بر کدام یک از پایه‌های زیر استوار است؟
 - (۱) فرضیه‌ها
 - (۲) پیش فرض‌ها (Assumptions)
 - (۳) قوانین تجربی
 - (۴) متغیرها
- ۲- کدام یک از عناصر زیر جزء بخش درونی نظریه علمی است؟
 - (۱) مفاهیم
 - (۲) فرضیه‌ها
 - (۳) قوانین تجربی
 - (۴) همه موارد
- ۳- پیش‌بینی‌های جامعه‌شناسی براساس قرار دارند.
 - (۱) تفسیرهای ذهنی
 - (۲) علت و معلول
 - (۳) احتمال
 - (۴) شعور معمولی
- ۴- پارادایم در جامعه‌شناسی از نظر کوهن و ریتزر است
 - (۱) بخشی از نظریه و مکتب
 - (۲) دربردارنده تصور از موضوع، نظریه‌ها، روش‌های تحقیق و مثال‌واره
 - (۳) دربردارنده نظریه‌ها
 - (۴) معادل با نظریه
- ۵- منظور از نظریه (تئوری) در جامعه‌شناسی چیست؟
 - (۱) طرح یک سلسله قضایای تجربی است.
 - (۲) ساخت روابط عناصری است که بین اجزا و کل آن رابطه معقول و منطقی برقرار است.
 - (۳) طرح یک سلسله مفاهیمی است که به صورت انتزاعی مطرح می‌شود.
 - (۴) فرضیه‌هایی است که می‌توان آن را قبول یا رد کرد.
- ۶- مقوله جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی عبارت است از:
 - (۱) بررسی تاریخ جامعه‌شناسی
 - (۲) تأمل تاریخی در جامعه‌شناسی
 - (۳) تأمل در خود جامعه‌شناسی
 - (۴) تحصیل جامعه‌شناسی تاریخ جامعه‌شناسی
- ۷- از نظر ریتزر کدام یک از نظریه‌ها عناصر تشکیل‌دهنده انگاره «تعریف اجتماعی» هستند؟
 - (۱) نظریه کارکردگرایی و نظریه تضاد
 - (۲) جامعه‌شناسی اثباتی و نظریه کارکردگرایی
 - (۳) جامعه‌شناسی سیستمی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه
 - (۴) جامعه‌شناسی پدیده شناختی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه
- ۸- منظور از «مفروضات زمینه‌ای» در نظریه‌های جامعه‌شناختی چیست؟
 - (۱) مفروضاتی که به طور مشخص در نظریه ظاهر نمی‌شوند، اما در هر نظریه‌ای وجود دارد.
 - (۲) مفروضات، روش‌های مسلمی هستند که بدیهی تلقی می‌شوند.
 - (۳) مفروضات فرعی و بی‌تأثیر در سرنوشت نظریه می‌باشند.
 - (۴) جامعه‌شناسان در این نوع مفروضات به بررسی‌کنندگان و منتقدین نظریه توجه دارند.
- ۹- پیدایش نظریه‌ها در جامعه‌شناسی ناشی از می‌باشد.
 - (۱) گروه نظریه
 - (۲) شرایط اجتماعی، سیاسی، فرهنگی
 - (۳) تمایل اندیشمند و متفکر به نظریه‌سازی و ارزیابی اطلاعات و نظریه‌های معاصر
 - (۴) تمام موارد

۱۰- به لحاظ روشی، چه دسته‌بندی از نظریات در حوزه جامعه‌شناسی وجود دارد؟

- (۱) نظریات ساختی کارکردی، پوزیتیویستی، تطورگرایی، انتقادگرایی، مبادله، روش‌شناسی مردمی و...
- (۲) تاریخی، اثباتی، تفسیری، دیالکتیکی
- (۳) نظریات رسمی، نظریات غیررسمی
- (۴) نظریات اروپایی و آمریکایی

۱۱- کدام یک از ویژگی‌های نظریه است؟

- (۱) نظریه باید قابل صدق و کذب باشد.
- (۲) نظریه باید قابل کذب باشد.
- (۳) نظریه باید قابلیت تعمیم و فراگیری داشته باشد.
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۳

۱۲- در کدام دیدگاه اصالت نظریه تجربی بودن، آزمایش‌پذیر بودن و قانون‌ساز بودن در نظر گرفته می‌شود؟

- (۱) دیدگاه تفسیری
- (۲) دیدگاه دیالکتیکی
- (۳) دیدگاه پوزیتیویستی
- (۴) دیدگاه غیر پوزیتیویستی

۱۳- کدام یک از نظریه‌پردازان مکتب اندام‌گرایی را در جامعه‌شناسی پایه‌گذاری کرده است؟

- (۱) اسپنسر
- (۲) کنت
- (۳) دورکیم
- (۴) مید

۱۴- کدام یک از نسبت‌های زیر صحیح‌تر است؟

- (۱) نظریه دربردارنده چند دیدگاه و اعم از آن است.
- (۲) نظریه‌ها دربردارنده بیش از یک دیدگاه هستند تا امکان بررسی وجوه چندگانه واقعیت امکان‌پذیر گردد.
- (۳) نظریه‌ها بخشی از یک دیدگاه یا چشم‌انداز می‌باشند.
- (۴) مورد ۱ و ۲

۱۵- مهم‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده نظریه‌ها می‌باشند.

- (۱) متغیرها
- (۲) مفاهیم
- (۳) پدیده‌های اجتماعی
- (۴) واقعیات

۱۶- کدام گزینه در مورد پارادایم صحیح‌تر است؟

- (۱) پارادایم، مجموعه‌ای از نظریه‌ها در موضوعی خاص است.
- (۲) پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع درون علم است و به تعبیر دیگر، پارادایم دربردارنده تصویری از موضوع، روش‌های تحقیق، مثال‌واره و نظریه‌ها می‌باشد.
- (۳) پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع در هر رشته علمی است.
- (۴) پارادایم مجموعه‌ای از نظریه‌ها در مورد موضوعات مختلف علمی است.

۱۷- نظریه حد میانه «Middle Range Theory» را کدام یک از نظریه‌پردازان مطرح نموده است؟

- (۱) هومنز و زرتبرگ
- (۲) مرتون
- (۳) نظریه‌پردازان مکتب مبادله
- (۴) هربرت مید

۱۸- کدام یک از موارد ذیل، معادل مناسبی برای متانظریه می‌باشد؟

- (۱) مطالعه نظریه
- (۲) ارزیابی نظریه
- (۳) استراتژی‌های جهت‌یابی شده
- (۴) همه موارد

۱۹- متاتئوریست به لحاظ روشی در مطالعات خود از چه نوع روشی سود می‌برند؟

- (۱) متاتئوریست بیشتر از روش‌های اسنادی، تاریخی و مقایسه‌ای بهره می‌گیرد درحالی‌که نظریه‌پرداز بیشتر از متدها و روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی استفاده می‌کند.
- (۲) اغلب از روش‌های تفسیری بهره می‌برند.
- (۳) عموماً از روش‌های اثباتی پیروی می‌نمایند.
- (۴) متاتئوریست‌ها به‌منظور مطالعه نظریات، صرفاً از روش‌های مقایسه‌ای بهره می‌برند.

۲۰- از نظر مولینز چه عاملی موثر در افول یک گروه نظریه می‌باشد؟

- (۱) قدرت پایین نظریه در پیش‌بینی
- (۲) جدایی رابطه بین نظریه و آزمایش
- (۳) کاهش روابط بین اعضای گروه نقادی از بیرون
- (۴) موارد ۱ و ۲

۲۱- به نظر کوهن چه عواملی موجب پیدایش مرحله ناهنجاری و سپس بحرانی و انقلاب می‌گردند؟

- (۱) اثر انباشتگی و تراکم علمی تحول
- (۲) اثر روابط میان اعضای اجتماع علمی
- (۳) نوآوری، طرح سوالات جدید و ارزش‌های مشترک
- (۴) همه موارد

۲۲- جمله ذیل در تعریف کدام یک از اصطلاحات علمی آمده است؟

«یک تصور بنیادی از موضوع است که در پی تفاوت‌گذاری میان جامعه علمی از جامعه غیرعلمی بوده و نمونه‌مثال‌ها، نظریه‌ها،

متدها و ابزارهایی است که علم موجود را طبقه‌بندی، تعریف و مرتبط می‌کند.»

- (۱) مدل
- (۲) الگو
- (۳) پارادایم
- (۴) مکتب یا گروه نظریه

۲۳- نظریه‌های جامعه‌شناسی ذیل بر چه اساس و معیاری طبقه‌بندی شده است؟

الف- تبیینی (واقعیت اجتماعی به مثابه شیء) مانند نظریه دورکیم

ب- تفسیری (نفوذ به درون واقعیت اجتماعی) مانند نظریه وبر

ج- انتقادی (نقد و تغییر واقعیت اجتماعی) مانند نظریه مارکس

- (۱) انگاره یا پارادایم
- (۲) دامنه
- (۳) برنامه پژوهی
- (۴) تلفیقی

پاسخنامه سؤالات چهارگزینه‌ای تألیفی فصل اول

- ۱- گزینه «۲»
- ۲- گزینه «۴»
- ☞ اجزا بخش جوهری نظریه عبارتند از: ۱- مفهوم ۲- متغیر ۳- قانون تجربی ۴- فرضیه
- ۳- گزینه «۳»
- ۴- گزینه «۲»
- ☞ دربردارنده تصور از موضوع، نظریه‌ها، روش‌های تحقیق و مثال‌واره
- ۵- گزینه «۲»
- ☞ ساخت روابط عناصری است که بین اجزا و کل آن رابطه معقول و منطقی برقرار است.
- ۶- گزینه «۳»
- ☞ تأمل در خود جامعه‌شناسی
- ۷- گزینه «۴»
- ☞ جامعه‌شناسی، پدیده‌شناختی و روش‌شناسی مردم‌نگارانه
- ۸- گزینه «۱»
- ☞ مفروضاتی که به‌طور مشخص در نظریه ظاهر نمی‌شوند، اما در هر نظریه‌ای وجود دارد.
- ۹- گزینه «۴»
- ☞ تمام موارد
- ۱۰- گزینه «۲»
- ☞ تاریخی، اثباتی، تفسیری، دیالکتیکی
- ۱۱- گزینه «۴»
- ☞ گزینه ۱ و ۳
- ۱۲- گزینه «۳»
- ☞ دیدگاه پوزیتیویستی
- ۱۳- گزینه «۱»
- ☞ اسپنسر
- ۱۴- گزینه «۴»
- ☞ مورد ۱ و ۲.
- ۱۵- گزینه «۲»
- ☞ مفاهیم
- ۱۶- گزینه «۲»
- ☞ پارادایم دربردارنده تصویری بنیادی از موضوع در درون علم است و به‌تعبیر یگر، پارادایم دربردارنده تصویری از موضوع، روش‌های تحقیق، مثال‌واره و نظریه‌ها می‌باشد.
- ۱۷- گزینه «۲»
- ☞ مرتون
- ۱۸- گزینه «۴»
- ☞ همه موارد
- ۱۹- گزینه «۱»
- ☞ متاتئوریست بیشتر از روش‌های اسنادی، تاریخی و مقایسه‌ای بهره می‌گیرد درحالی‌که نظریه‌پرداز بیشتر از متدها و روش‌های تحقیق در جامعه‌شناسی استفاده می‌کند.
- ۲۰- گزینه «۳»
- ☞ کاهش روابط بین اعضای گروه نقادی از بیرون
- ۲۱- گزینه «۴»
- ☞ همه موارد
- ۲۲- گزینه «۳»
- ☞ پارادایم
- ۲۳- گزینه «۳» ☞ برنامه پژوهی

فصل دوم

اندیشه بزرگان و بنیانگذاران جامعه‌شناسی

تحول و پیدایش نظریه‌های جامعه‌شناسی

ابن خلدون

کنت

مید

اسپنسر

دورکیم

مارکس

وبر

وبلن

زیمل

پارتهو

اندیشه بزرگان و بنیانگذاران جامعه‌شناسی

نقش نیروهای اجتماعی در تحول نظریه جامعه‌شناسی

۱- **انقلاب سیاسی:** انقلابات سیاسی متعددی پس از انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) پدیدار گشتند و در طول سده نوزدهم ادامه یافتند که می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین عامل در پیدایش نظریه‌پردازی جامعه‌شناختی در نظر گرفت. آثار و نتایج منفی ناشی از انقلاب‌ها از قبیل آشوب، بی‌سامانی و بی‌نظمی و به تبع آن آرزوی بازگرداندن نظم به جامعه، توجه نخستین نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی را به خود جلب کرد. لذا قضیه نظم اجتماعی یکی از محوری‌ترین مباحث نظریه‌های جامعه‌شناسی بوده است.

۲- **انقلاب صنعتی و پیدایش سرمایه‌داری:** به دنبال انقلاب صنعتی، تحولات همبسته گوناگونی در جوامع غربی به وقوع پیوست که در شکل بخشیدن به نظریه جامعه‌شناسی موثر بود. گذر از نظام کشاورزی به نظام کاملاً صنعتی، مهاجرت مردم از مزارع و کار کشاورزی به سمت شهرها و کارهای صنعتی در کارخانه‌های نوپدید، دیوان‌سالاری‌های اقتصادی گسترده، بسط و گسترش بازار آزاد و مبادله محصولات صنعتی در آن و نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی، از جمله این دگرگونی‌ها بود که خود منجر به برخی واکنش‌ها و جنبش‌های اجتماعی شد.

۳- **پیدایش سوسیالیسم:** یک رشته دگرگونی که هدفش تصحیح زیاده‌روی‌های نظام صنعتی و سرمایه‌داری است را می‌توان تحت‌عنوان سوسیالیسم مطرح کرد. کارل مارکس برجسته‌ترین متفکری است که در پی براندازی نظام سرمایه‌داری و جایگزینی یک نظام سوسیالیستی بود. در مقابل وی، دورکیم و وبر هرچند مسائل نظام سرمایه‌داری را تشخیص داده بودند اما بیشتر به دنبال اصلاح این نظام بودند تا انقلاب اجتماعی موردنظر مارکس. آنها بیش از سرمایه‌داری از سوسیالیسم هراس داشتند و همین هراس، نقش بسیاری در شکل‌گیری نظریه جامعه‌شناسی ایفا کرد. نظریه جامعه‌شناسی به‌عنوان واکنشی در برابر نظریه مارکسیستی به‌طور خاص و نظریه سوسیالیستی به‌طور عام، ساخته و پرداخته شد.

۴- **شهرگرایی:** صنعتی‌شدن و گسترش شهرها زمینه بروز مسائل شهری متعددی گشت که موردتوجه و نظریه‌پردازی جامعه‌شناسانی از قبیل وبر، زیمل و نیز نخستین مکتب عمده جامعه‌شناسی آمریکایی یعنی مکتب شیکاگو قرار گرفت. مهاجرت گسترده روستائیان به محیط‌های شهری به‌منظور یافتن شغل، ازدحام جمعیت، تراکم وسایل نقلیه، انواع آلودگی‌ها و ... از جمله این مسائل شهری بودند.

۵- **دگرگونی مذهبی:** دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از انقلاب‌های سیاسی، انقلاب صنعتی و شهرگرایی اثر عمیقی بر اعتقاد مذهبی گذاشته بود. همچنین بسیاری از جامعه‌شناسان اولیه در محیط مذهبی پرورش یافته بودند و به‌گونه حرفه‌ای، درگیر مذهب بودند. از این‌رو، دین و اخلاق یکی از موضوعاتی بود که تحت نظریه‌پردازی جامعه‌شناسان اولیه (کنت، دورکیم، وبر و مارکس) قرار گرفته است.

۶- **رشد علم:** همگام با شکل‌گیری نظریه جامعه‌شناسی، علوم طبیعی (مانند فیزیک، زیست‌شناسی و شیمی) نه تنها به رشد و شکوفایی موفقیت‌آمیزی رسیده بلکه با رخنه به کل جامعه و ابعاد مختلف زندگی انسان از حیثیت والایی برخوردار بود. برخی از جامعه‌شناسان

(مانند کنت، اسپنسر و دورکیم) درصدد تطبیق و پیوند جامعه‌شناسی با الگوی علوم موفق زیست‌شناسی و فیزیک برآمدند. اما در ادامه برخی دیگر (مانند وبر) با متمایز دانستن زندگی اجتماعی، اقتباس کامل الگوی علمی را در جامعه‌شناسی دشوار و نابخردانه دانستند. قضیه رابطه میان جامعه‌شناسی و علم هنوز هم بحث روز است و تسلط با کسانی است که جامعه‌شناسی را یک علم می‌دانند.

نقش نیروهای فکری در پیدایش نظریه جامعه‌شناسی

روشن‌اندیشی و بنیان‌گذاری جامعه‌شناسی در فرانسه

روشن‌اندیشی به‌عنوان یک رشته از افکار و باورهای فلسفی و اجتماعی بیش از همه متأثر از دو جریان فکری بود: فلسفه و علم سده هفدهم. برخی از ویژگی‌های فکری روشن‌اندیشی و متفکران وابسته به آن (منتسکیو و روسو) عبارتند از:

- ۱- تاکید بر ایجاد نظام‌های فکری بزرگ، عام و سازنده ادراک معقول با استخراج از جهان واقعی
- ۲- اعتقاد به ادراک و نظارت جهان و اهتمام به کشف قوانین اجتماعی به‌وسیله خرد و تحقیق تجربی
- ۳- ایجاد یک جهان بهتر و خردمندانه‌تر و طرد اعتقاد به اقتدار سنتی
- ۴- تاثیر روشن‌اندیشی در نظریه جامعه‌شناسی، بیشتر غیرمستقیم و منفی بود تا مستقیم و مثبت

واکنش‌های محافظه‌کارانه در برابر روشن‌اندیشی

افراطی‌ترین صورت مخالفت با افکار روشن‌اندیشی، فلسفه کاتولیکی ضدانقلابی فرانسه بود که با افکار لویی دوبونالد و ژوزف دومیسستر مشخص می‌شود. آنها از هرگونه دگرگونی و اغتشاش بیزار بودند و پیوسته در پی نگهداشت نظم موجود بودند. دوبونالد از دگرگونی‌های انقلابی ریمیده بود و آرزوی بازگشت به آرامش و هماهنگی دوران قرون وسطی را در سر می‌پروراند. به‌نظر او خداوند، سرچشمه جامعه است و از همین‌رو، خرد را که آن‌همه برای فیلسوفان روشن‌اندیش اهمیت داشت، فروپایه‌تر از معتقدات مذهبی سنتی می‌دانست. وی بر این باور بود که چون خداوند جامعه را آفریده است، مردم نباید در آن دست ببرند و نباید بکوشند این آفرینش قدسی را دگرگون سازند. بونالد با هر چیزی که خواسته باشد نهادهای سنتی همچون پدرسالاری، خانواده تک‌همسری، سلطنت و کلیسای کاتولیک را تضعیف کند، مخالف بود.

قضایای مأخوذ از واکنش‌های محافظه‌کارانه

- تاکید بر جامعه به‌عنوان مهم‌ترین واحد تحلیلی که بسی مهم‌تر از فرد است.
- افراد تنها بخش‌های سازنده جامعه مثل نقش‌ها، مقام‌ها، رابطه‌ها، ساختارها و نهادها را پر می‌سازند و کار بیشتری از آنها برنمی‌آید. جامعه چیزی بیشتر از صرف مجموعه‌ای از افراد است.
- بنیاد اصلی جامعه، وابستگی ارتباط متقابل بخش‌های جامعه با یکدیگر است و دست‌درازی به یک بخش به تضعیف بخش‌های دیگر می‌انجامد و سرانجام کل جامعه را دستخوش نابسامانی می‌کند.
- عناصر سازنده جامعه، هم برای جامعه و هم برای افراد جامعه مفید می‌باشند و نیازهای مردم را برآورده می‌کنند. در این دیدگاه کمتر علاقه‌ای به دیدن پیامدهای منفی ساختارها و نهادهای اجتماعی موجود وجود دارد و دگرگونی برای جامعه و افراد آن یک نوع تهدید به‌شمار می‌رود.
- واحدهای کوچک‌تری همچون خانواده، محله، گروه‌های مذهبی و شغلی از آنجایی که محیط‌های صمیمی و رودررو را برای بقاء مردم در جوامع نوین فراهم می‌کنند، از اهمیت اساسی برخوردارند.
- دگرگونی‌های نوین اجتماعی همچون صنعتی‌شدن، شهرگرایی و دیوانسالاری دارای پیامدهای مختل‌کننده و مخرب هستند لذا بایستی پیوسته به‌دنبال راه‌های مقابله با آنها بود.
- تاکید بر اهمیت عوامل غیرتعقلی در زندگی همچون مناسک و تشریفات
- حمایت از وجود یک نظام سلسله‌مراتبی در جامعه

بنیانگذاران جامعه‌شناسی

ابن خلدون^۱

زندگی ابن خلدون روی هم رفته شامل سه دوره می‌شود:

- ۱- دوره فعالیت سیاسی در کشورهای مغرب (بیش از بیست سال).
- ۲- دوره انزوا و تألیف در قلعه ابن‌سلامه (چهار سال).
- ۳- دوره اشتغال به امور قضائی و تدریس و تألیف در مصر (هجده سال).

آثار ابن خلدون

هیچ‌یک از تألیفات ابن خلدون اکنون در دست نیست. تنها اثر مهمی که از ابن خلدون باقی مانده، کتاب تاریخی است که آن را با نام طولانی، "العبر و دیوان‌المبتدأ و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصره من ذوی السلطان‌الاکبر" خوانده است. این تاریخ برحسب تعبیر خود مولف مشتمل بر یک مقدمه و سه کتاب است. کتابی که هم‌اکنون به نام "مقدمه ابن خلدون" معروف است درحقیقت "مقدمه و کتاب نخستین" کتاب العبر است و از همان عصر ابن خلدون "مقدمه" نام گرفته است.

ابن خلدون؛ نخستین جامعه‌شناس

ابن خلدون با صراحت تمام مدعی پایه‌ریزی علم جدیدی به نام علم‌العمران است. موضوع علم جدید وی، عمران بشری، یعنی زندگی اجتماعی است. ابن خلدون در تفسیر پیدایش زندگی اجتماعی، به اصل همزیستی انسان‌ها در قالب همکاری و تعاون، در پرتو تقسیم کار اجتماعی باور دارد و می‌گوید: «گویا این نوع نگرش و تحقیق، خود دانشی مستقل است، زیرا دارای موضوعی است که همان عمران (جامعه) بشری و اجتماع انسانی است و نیز دارای مسایلی است که حاکی از بیان حالت‌ها و نمودهای عمران (جامعه) هستند که یکی پس از دیگری به‌ذات و ماهیت عمران می‌پیوندند.» ابن خلدون، نخستین کسی است که از جامعه‌شناسی به عنوان یک علم مستقل و جدید نام برده و برای تعیین موضوع، قلمرو و روش آن تلاش کرده و پدیده‌های اجتماعی را براساس آن تحلیل نموده است؛ اما باید توجه داشت که نخستین جامعه‌شناس بودن ابن خلدون الزاماً به معنای بنیانگذار بودن علم جامعه‌شناسی امروزی نیست؛ آنچه می‌توان بر آن تأکید نمود نخستین جامعه‌شناس بودن ابن خلدون و تقدم وی بر اگوست کنت، دورکیم، سن‌سیمون یا منتسکیو در توجه آگاهانه به این علم جدید است.

دیدگاه‌های ابن خلدون در حوزه جامعه‌شناسی

مبانی و اصول علم عمران: مهم‌ترین اصول در اندیشه ابن خلدون واقع‌گرایی، تلقی خاص از جامعه (جامعه به منزله کنش اجتماعی و تفکیک بین نهادهای اجتماعی و تمایز بین جامعه و دولت)، ضروری بودن اجتماع انسانی، ضروری بودن حکومت در جامعه، تاثیرگذاری اقلیم در عمران و تاثیرگذاری آب‌وهوا در رنگ‌ها و خلق‌وخوی آدمیان است. نیتی که در عمق اندیشه جامعه‌شناختی ابن خلدون نهفته است آشکارا جنبه مردم‌شناختی دارد. درواقع ابن خلدون به توصیف تجربی حوادث و مجموعه‌ای اجتماعی-تاریخی اکتفا نمی‌کند؛ بلکه می‌کوشد تا توصیفات خود را با خصلت‌های برجسته مربوط به سرشت انسانی و به حیات جمعی پیوند دهد. موضوعی که اندیشه ابن خلدون درصدد یافتن آن است انسان به عنوان موجودی طبیعی، اجتماعی و تاریخی است.

موضوع علم جامعه‌شناسی: ابن خلدون موضوع علم عمران را عمران بشری و اجتماع انسانی به‌طور کلی می‌داند؛ وی معتقد است که اجتماع بشری دارای طبیعتی خاص و ماهیتی مستقل بوده و حالات و کیفیاتی بر آن عارض می‌شود که از طبیعت خود اجتماع نشأت می‌گیرد.